

# تأثیر جنون در فسخ ازدواج

○ رضا استادی



چکیده

نویسنده در دو بخش به بررسی جایگاه جنون در میان عیوب موجب فسخ نکاح می پردازد. او در بخش اوّل به روایات و دلایل مشروعیت جواز فسخ نکاح از جانب زن به سبب جنون شوهر پرداخته و در بخش دوم، دلایل نقلی و غیر نقلی جواز فسخ نکاح از جانب شوهر را در فرض جنون زن بررسی کرده است و در نهایت به دلیل اطلاق روایات به این نتیجه می رسد که جنون زن یا مرد، پیش از عقد یا پس از آن، قبل از آمیزش یا بعد از آن، در عقد دائم یا موقت، موجب حکم به جواز فسخ نکاح از جانب طرف دیگر است.

کلیدواژگان: جنون، دیوانگی، نکاح، ازدواج، عیوب، فسخ.

جنون هریک از زوج و زوجه سه حالت می تواند داشته باشد: قبل از عقد ازدواج، پس از عقد و قبل از آمیزش، پس از عقد و پس از آمیزش. برای جواز فسخ ازدواج هریک از زوجین، به روایاتی استدلال شده است:

### الف) ادله جواز فسخ برای زوجه

#### دلیل نخست

روی المشایخ الثلاثة عن علي بن ابي حمزة، قال سئل ابو ابراهيم (ع) عن المرأة يكون لها زوج وقد أصيب في عقله بعد ما تزوجها أو عرض له جنون، فقال: لها ان تنزع نفسها منه إن شئت؛<sup>۱</sup>

مشایخ سه گانه (کلینی، صدوق و شیخ طوسی) از علی بن ابی حمزه روایت کرده اند که می گوید: از موسی بن جعفر (ع) در مورد زنی سؤال شد که شوهر دارد و شوهرش پس از ازدواج در عقلش مشکلی پدید می آید و یا جنون بر وی عارض می شود. حضرت فرمود: آن زن اگر بخواهد، می تواند خودش را از او جدا سازد.

فحوا و متن این روایت دلالت تام و کامل بر این مطلب دارد که جنونی که پیش از عقد و پس از آن بر شوهر عارض شود، موجب جواز فسخ ازدواج است. برخی گفته اند روایت مربوط به جنون پس از ازدواج است و دلالت فحوايي آن بر جنون قبل از ازدواج، مورد قبول نیست؛ چرا که در روایت با جمله «بعد ما تزوجها» بر جنون پس از ازدواج تصریح شده است.

اما می توان از این اشکال چنین پاسخ داد که در صورت پذیرش این سخن، دیگر ذکر کلمه «او» وجهی نخواهد داشت و جمله پس از «او» تکرار همان مطلب قبل خواهد بود.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۲۵ به نقل از تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۲۸؛ الکافی، ج ۶، ص ۱۵۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۳۸.

## دلیل دوم

قال في الفقيه: وروي في خبر آخر: أنه إن بلغ به الجنون مبلغاً لا يعرف اوقات الصلاة فرّق بينهما فإن عرف اوقات الصلاة فلتصبر المرأة معه فقد ابتليت؛<sup>۲</sup>  
در کتاب من لايحضره الفقيه آمده است: در روایت دیگری این گونه آمده است که اگر جنون زوج در حدی است که اوقات نماز را تشخیص نمی دهد، حکم به جدایی آن دو می شود، و اگر اوقات نماز را تشخیص می دهد، زوج با او صبر کند، به تحقیق در معرض ابتلا و آزمایش قرار گرفته است.

ظاهر این روایت، فرق میان دو قسم از جنون است که در صورت اول حاکم به جدایی آن دو حکم می کند و این البته در صورتی است که زن نزد حاکم برود و تقاضای طلاق کند، پس این روایت در شمار ادله جواز نخواهد بود.

## دلیل سوم

في الكافي و الفقيه عن الحلبي عن أبي عبدالله (ع) انه قال في رجل تزوج إلى قوم فإذا امراته عوراء ولم يبينوا له، قال: لا ترد إنما يرده النكاح من البرص والجذام والجنون والعفل. قلت: أرايت إن كان قد دخل بها كيف يصنع بمهرها؟ قال: لها المهر بما استحلت من فرجها ويغرم وليها الذي اتكحها مثل ما ساق إليها؛<sup>۳</sup>

در کافی و فقیه از حلبی از امام صادق (ع) روایت شده که حضرت در مورد

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۲۶ به نقل از من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۳۸ با این تفاوت که در آن عبارت «فقد بليت» آمده است.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۱۳ به نقل از من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۳۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۲۶.

مردی که باطایفه ای وصلت می کند و پس از آن متوجه می شود که چشمان زن لوج (دوبین) است و آنان به او نگفته بودند، فرمود: (آن زن به این سبب) بازگردانده نمی شود، ازدواج فقط با برص، جذام، جنون و عفل ردّ (فسخ) می شود. راوی می گوید: به حضرت گفتم: اگر با او آمیزش کرده باشد، مهریه او چه می شود؟ حضرت فرمود: چون با زن آمیزش کرده باید مهر او را بدهد و ولی آن زن که او را تزویج کرده، باید خسارت مهر را به مرد بپردازد.

این روایت به قرینه صدر آن و ذکر «عفل» که از عیوب مختص زن است و به قرینه ذیل آن، حکم جنون زن را بیان می کند و دلالت بر مقصود ما ندارد.

#### دلیل چهارم

في التهذيب و الاستبصار عن الحلبي عن أبي عبد الله (ع)، قال: إنّما يردّ النكاح من البرص و الجذام و الجنون و العفل؛<sup>۴</sup>  
در تهذیب و استبصار از حلبی از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: ازدواج فقط به سبب برص، جذام، جنون و عفل رد می شود.

دلالت این روایت، کامل و تام است و اطلاقش شامل زوج و زوجه می شود. برخی گفته اند که این روایت ظاهراً بخشی از همان روایت سوم است و روایتی مستقل نیست.

#### دلیل پنجم

في فقه الرضا: إذا تزوّج رجل فاصا به بعد ذلك جنون فيبلغ به مبلغاً حتى لا يعرف أوقات الصلاة فرّق بينهما فإن عرف أوقات الصلاة فلتصبر المرأة فقد ابتليت؛<sup>۵</sup>

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۰۹ به نقل از تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۷۳؛ الکافی، ج ۵، ص ۴۰۶؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۲۴۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۲۶.

۵. فقه الرضا (ع)، ص ۲۳۷.

در فقه الرضا آمده است: هرگاه مردی ازدواج کند و دیوانه شود، به گونه ای که اوقات نماز را تشخیص ندهد، حکم به جدایی آن دو می شود، و اگر اوقات نماز را تشخیص می دهد، همسر او باید با او صبر کند؛ چرا که در معرض آزمایش قرار گرفته است.

این روایت مانند روایت دوم و یا عین همان روایت است، البته اگر فقه الرضا را روایت بدانیم؛ زیرا همان گونه که برخی معتقدند، فقه الرضا کتاب فقهی است و روایت نیست.

### دلیل ششم

صاحب جواهر می گوید:

جنون سبب تسلط زوج بر فسخ ازدواج است و این در صورتی است که زوج به جنون زوج جاهل بوده باشد و تفاوتی میان جنون دائمی و ادواری نیست. حکم یاد شده در صورتی است که جنون پیش از عقد ازدواج و یا مقارن با آن باشد، و اختلاف قابل توجهی در این مساله وجود ندارد، بلکه اگر ادعای اجماع محصل بر آن نکنیم، حکایت اجماع بر آن شده است. جنونی که پس از عقد و قبل از آمیزش یا پس از عقد و آمیزش عارض می شود، نیز همین حکم را دارد و اختلاف قابل توجهی در این حکم در صورتی که جنون در حد عدم تشخیص اوقات نماز باشد، وجود ندارد، بلکه امکان تحصیل اجماع نیز بر آن وجود دارد، همچنان که ظاهر کلمات بسیاری نیز همین است، بلکه بر اساس نظر برخی از فقها، حکم مطلقاً (بدون تقیید آن به نشناختن اوقات نماز) چنین است.

همچنین صاحب جواهر پس از عبارت محقق حلی می گوید: گاهی در جنون پس از عقد، شرط می شود که جنون در حدی باشد که فرد اوقات نماز

را تشخیص ندهد، لکن مقید بودن جنون به این قید مورد تردید است و به

نظر می‌رسد هیچ‌گونه اختلافی در این مسئله نیز نباشد.<sup>۶</sup>

ظاهر این است که اجماع ادعا شده در کلام صاحب جواهر، اجماع مدرکی است و یا حداقل احتمال مدرکی بودن آن هست؛ بنابراین حجت نخواهد بود.

### دلیل هفتم

برخی گفته‌اند در جنون سابق بر عقد، زوج تدلیس کرده و مقتضای تدلیس این است که زن می‌تواند عقد را فسخ کند.

اشکال این استدلال آن است که اولاً این دلیل بر فرض که تمام باشد، از جهتی اخص از مدعاست (چون مدعای ما مطلق جنون است) و از جهت دیگر اعم از آن است (چون تدلیس در تمامی عیوب جاری است) و ثانیاً روشن نیست که مقتضای تدلیس، جواز فسخ باشد؛ چون که احتمال دارد در صورت تدلیس لازم باشد زن به حاکم مراجعه و حاکم به جدایی آن دو به طلاق حکم کند.

### دلیل هشتم

برخی نیز ازدواجی را که در آن جنون پیش از عقد رخ داده، از مصادیق غرور دانسته‌اند که مقتضای آن جواز فسخ برای کسی است که دچار غرر شده است. اشکال این استدلال آن است که حکم غرور، رجوع فرد زیان دیده به کسی است که او را فریب داده، نه فسخ عقد.

### دلیل نهم

در صورتی که حکم به عدم جواز فسخ برای زوجه شود، از مصادیق ضرر

۶. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۳۱۸-۳۲۲.

خواهد بود و ضرر و ضرار در اسلام منتفی است.  
در پاسخ این استدلال باید گفت که ضرر با حکم حاکم به طلاق نیز برطرف می‌شود و وجود ضرر، دلالتی بر خصوص جواز فسخ ندارد.

### دلیل دهم

همچنین برخی گفته‌اند: زوجه خیار تخلف شرط دارد، هر چند در متن عقد، عاقل بودن زوج شرط نشده باشد؛ چرا که عقد و رضایت زوجه به ازدواج، مبتنی بر عاقل بودن زوج بوده و این ابتناء در حکم شرط لفظی است.

برخی در تضعیف این استدلال گفته‌اند: خیار تخلف شرط را نمی‌توان از روایت «المؤمنون عند شروطهم» استفاده کرد و عمده استدلال بر خیار تخلف شرط در بیع، بنای عقلا به ضمیمه عدم منع شارع است و این استدلال در مسئله مورد بحث ما جاری نیست؛ چرا که عموم ادله حصر رد نکاح در موارد خاص، به منزله منع شارع از سیره عقلا در این مسئله است.

### ب) ادله جواز فسخ برای زوج

جنون زوجه سبب جواز فسخ ازدواج از سوی زوج است، خواه جنون سابق بر عقد باشد و خواه پس از آن. روایاتی بر این معنا دلالت دارد:

### دلیل اول

صفوان بن یحیی عن عبدالرحمن بن ابی عبداللّه عن ابی عبداللّه (ع)، قال:

المرأة تردّ من أربعة أشياء من البرص والجذام والجنون والقرن وهو العفل مالم

يقع عليها فإذا وقع عليها فلا؛<sup>۷</sup>

۷. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۰۷ به نقل از کتب اربعه.

امام صادق (ع) می فرماید: زن به سبب چهار چیز بازگردانده می شود: برص، جذام، جنون، قرن که همان عفل است، البته مادامی که با زوجه آمیزش نکرده باشد، اگر با او آمیزش کرده باشد، دیگر نمی تواند فسخ کند.

شیخ طوسی (ره) می گوید:

مراد این روایت آن است که هرگاه زوج پس از علم به عیب با زوجه آمیزش کند، دیگر نمی تواند فسخ کند، اما در صورتی که بدون آگاهی از عیب او آمیزش کند و سپس آگاه شود، در این فرض در هر صورتی می تواند ازدواج را فسخ کند.<sup>۸</sup>

## دلیل دوم

محمد بن یعقوب عن عذّة من أصحابنا عن سهل بن زیاد عن أحمد بن محمد عن رفاعة بن موسى عن أبي عبد الله (ع)، قال: تردّ المرأة من العفل و البرص و الجذام، فأما ما سوى ذلك، فلا؛<sup>۹</sup>

امام صادق (ع) می فرماید: زن به جهت عفل، برص، جذام و جنون، بازگردانده می شود، و اما به جهت دیگر (عیوب) بازگردانده نمی شود.

## دلیل سوم و چهارم

دو روایت حلبی است که در بحث جنون زوج آورده ایم.

في المقنع: وإن تزوّج الرجل امرأة فوجدها قرناء أو عفلاء أو برصاء أو مجنونة أو كان بهازمانة ظاهرة، كان له أن يردها إلى أهلها بغير طلاق و

۸. ر. ك: وسائل الشيعه، ج ۲۱، ص ۲۱۴، باب آمیزش با زن بعد از علم به عیب.

۹. همان، ص ۲۰۷ به نقل از استبصار.



یرتجع الزوج علی ولیها بما اصدقها إن كان اعطاها وإن لم یکن اعطاها  
فلاشیء له؛<sup>۱۰</sup>

در مقنع آمده است: هرگاه مرد با زنی ازدواج کند و او را دارای قرن یا عقل  
یا برص یا جنون بیابد و یا مبتلا به زمین گیری آشکار باشد، می تواند آن زن  
را به خانواده اش بدون طلاق بازگرداند و اگر مهریه را به زوجه پرداخته، از  
ولی زوجه آن را می گیرد و در صورتی که پرداخت نکرده باشد، چیزی  
(حقی) برای زوج نخواهد بود.

دلیل ششم

فی فقه الرضا مثل ما فی المقنع إلا أن فیہ: أو مجنونة إذا كان بها ظاهراً؛<sup>۱۱</sup>  
عبارت فقه الرضا نیز همانند عبارت مقنع است، با این تفاوت که در بخشی  
از آن آمده است: و یا مجنون باشد؛ به گونه ای که جنونش آشکار باشد.

دلیل هفتم

فی الدعائم عن علی صلوات الله علیه: أنه قال: ترد المرأة من القرن والجذام  
والجنون والبرص ...؛<sup>۱۲</sup>  
در دعائم از امیرمؤمنان (ع) روایت شده که فرمود: زن به جهت قرن و جذام  
و جنون و برص بازگردانده می شود ... .

۱۰. المقنع، ص ۱۰۳، چاپ ۱۳۷۷.  
۱۱. الفقه المنسوب للإمام الرضا(ع)، ص ۲۳۸.  
۱۲. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۲۹ و حدیث ادامه دارد به آنجا مراجعه کن.

## دلیل هشتم

وفيه أيضاً عن عليّ (ع) ... أنه قال: إنما تردّ المرأة من الجذام والبرص والجنون  
أو علة في الفرج؛<sup>۱۳</sup>  
همچنین در دعائم از امیرمؤمنان (ع) روایت شده است: ... زن فقط به  
جهت جذام، برص، جنون و یا مشکلی در فرج که مانع از آمیزش باشد،  
بازگردانده می شود.

## دلیل نهم

في الكافي عن زيد الشحام عن أبي عبدالله (ع)، قال: تردّ البرصاء والمجنونة  
والمجنومة، قلت: العوراء؟ قال: لا؛<sup>۱۴</sup>  
در کافی از زید شحام از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: زنی  
که دارای برص، جنون، جذام باشد، بازگردانده می شود. راوی می گوید  
به حضرت گفتیم: زن نابینا؟ فرمود: نه.

## دلیل دهم

في المقنع: و اعلم أن النكاح لا يردّ إلا من أربعة أشياء: من البرص و الجذام  
والجنون و العفل إلا أنه روي في الحديث: أن العمياء و العرجاء تردّ؛<sup>۱۵</sup>  
در مقنع آمده است: بدان که ازدواج فسخ نمی شود، مگر از چهار چیز: از  
برص، جذام، جنون و عفل و البته در حدیثی روایت شده است که زن کور  
و لنگ بازگردانده می شود.

۱۳. همان، حدیث، دارای صدری است به آنجا مراجعه کن.

۱۴. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۱۰ به نقل از الکافی، ج ۵، ص ۴۰۶ و تهذیب الاحکام، ج ۷،  
ص ۴۲۴ و الاستبصار، ج ۳، ص ۲۴۶.

۱۵. المقنع، ص ۱۰۴.

و فی الکافی و التهذیب عن الحذاء فی الصحیح عن ابي جعفر (ع) فی رجل تزوج امرأة من ولیها فوجد بها عیباً بعد ما دخل بها، قال: فقال: إذا دلست العفلاء نفسها و البرصاء و المجنونة و المفضاة و ما كان بها من زمانة ظاهرة فإنها تردّ علی اهلها، من غیر طلاق و یاخذ الزوج المهر من ولیها الذي كان دلستها فإن لم یکن ولیها علم بشيء من ذلك فلا شيء علیه و تردّ إلى اهلها، قال: و إن أصاب الزوج شیئاً مما أخذت منه فهو له و إن لم یصب شیئاً فلا شيء له قال: و تعتمد منه عدّة المطلقة إن كان قد دخل بها و إن لم یکن دخل بها فلا عدّة علیها و لامهر لها؛<sup>۱۶</sup>

در کافی و تهذیب در روایت صحیح از حذاء از امام باقر (ع) در مورد مردی سؤال شد که زنی را از ولیش خواستگاری و با او ازدواج می کند و پس از آمیزش در او عیبی می بینند. راوی می گوید: امام فرمود: هرگاه زنی که عفل، برص و جنون دارد یا افضا شده و زنی که زمین گیری آشکار دارد، تدلیس کند، بدون طلاق (به خانواده اش) بازگردانده می شود و شوهر مهریه را از ولی زن که او را تدلیس کرده می ستانند و در صورتی که ولی زن از عیب او چیزی آگاه نبوده، چیزی بر او نیست و زن به خانواده اش بازگردانده می شود. اگر شوهر به اموالی که زن به عنوان مهر از او گرفته دست پیدا کند، از آن اوست و اگر دست پیدا نکند، چیزی برای او نخواهد بود.

زن در صورتی که شوهر با او آمیزش کرده، عدّه طلاق نگه می دارد و اگر با او آمیزش نکرده، عدّه و مهری برایش نیست.

این روایت نیز مخصوص به فرض تدلیس است و پیش تر گفتیم که تدلیس از یک جهت اخصّ از موضوع مورد بحث ماست و از جهت دیگر نیز اعم از آن است.

۱۶. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۱۱ به نقل از تهذیب الاحکام و استبصار و کافی.

## چند نکته

۱. مشهور است که گفته می‌شود: «الجنون فنون؛ جنون اقسام گوناگونی دارد»؛ لکن در بحث فسخ ازدواج مقصود جنونی است که عرفاً جنون بر آن صدق کند. بنابراین آیا جنون شامل جنون ادواری می‌شود؟ صاحب جواهر می‌گوید: جنون بر آن صدق می‌کند.

در روایت فقیه آمده: «جنون در حدی است که اوقات نماز را تشخیص نمی‌دهد...» ممکن است این عبارت برای بیان اندازه‌ای باشد که جنون بر آن صدق می‌کند و نه بیان نوعی از جنون.

۲. در موارد جواز فسخ، میان ازدواج دائم و موقت تفاوتی نیست؛ به دلیل اطلاق ازدواج بر هر دو هر چند در برخی از این روایات سخن از فسخ بدون طلاق به میان آمده و طلاق مختص به ازدواج دائم است، لکن این روایات اطلاقی ندارند و اطلاق بقیه روایات که فسخ بدون طلاق در آن‌ها نیامده کافی است.

۳. خیار فسخ ازدواج در عیوب موجب فسخ، فوری است. دلیل آن، چنان که گفته شده، اجماع است. این اجماع مورد اشکال است، بنابراین به جز در مواردی که به جهت قاعده لاضرر، حکم به خیار شود، نمی‌توان قایل به فوریت شد.

۴. در روایت صفوان آمده است: «فیأذا وقع علیها؛ هرگاه با او آمیزش کرده باشد، نکاح فسخ نمی‌شود». شیخ طوسی در ذیل این روایت می‌فرماید: مراد روایت این است که پس از علم به وضعیت زن با او آمیزش کند، اما در روایت حلبی آمده که حتی در صورت آمیزش نیز ازدواج فسخ می‌شود.

۵. در روایت حلبی آمده که اگر زوجه پس از آمیزش عقا. را فسخ کند استحقاق مهر دارد. اما روایت صفوان - اگر تفسیر شیخ را از آن بپذیریم - در موردی که زوج از جنون زوجه آگاه نبوده و با او آمیزش کرده، نسبت به استحقاق زوجه بر مهریه ساکت است.

۶. آنچه را در روایت صفوان آمده و آنچه شیخ در تفسیر آن گفته است، آیا به موردی که زوجه با علم به جنون زوج تمکین از آمیزش کرده، می توان سرایت داد؟  
۷. در تحریر الوسيله آمده است:

عیوب موجب خیار فسخ و تدلیس دو قسم است: مشترك میان زوج و زوجه و مختص به هر کدام. اما مشترك میان آن دو، جنون است و آن عبارت است از اختلال در عقل؛ اما بیهوشی و بیماری صرع که موجب بروز حالت خاصی برای فرد در برخی اوقات می شود، جنون به شمار نمی آید.

هریک از زوجین، به سبب جنون همسرش، اختیار فسخ نکاح را دارد. این حکم در مورد مرد مطلق است، خواه جنونش قبل از عقد باشد (در فرض جهل زوجه)، خواه پس از عقد و قبل یا بعد از آمیزش عارض شده باشد. حکم یاد شده در جنونی که پس از عقد پدید آمده، اگر در حد عدم تشخیص اوقات نماز نباشد، محل تامل و اشکال است، بنابراین احتیاط ترك نشود. اما جنون زن، در صورتی موجب فسخ است که قبل از عقد بوده و مرد هم جاهل به آن باشد.

در جنون موجب فسخ میان جنون دائم و ادواری - هر چند عقد در دوره آفاقه انجام گرفته باشد - فرقی نیست؛ همچنین ظاهر این است که در این حکم تفاوتی میان ازدواج دائم و موقت نیز نیست. خیار فسخ، برای هریک از زوج و زوجه، فوری است. بنابراین هرگاه هر کدام از آن دو به عیب آگاه باشد و به فسخ مبادرت نکند، عقد لازم می شود. بله، ظاهر این است که جهل به خیار فسخ و جهل به فوری بودن آن، عذر محسوب می شود، بنابراین در صورت جهل به هریک از این دو مورد، اگر مبادرت به اعمال خیار صورت نگیرد، خیار ساقط نمی شود.<sup>۱۷</sup>

۱۷. تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۲۶۱ و ص ۲۶۲، مسأله ۴، چاپ جامعه مدرسین.